

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال دهم - شماره چهارم - زمستان ۱۳۹۶ - شماره پیاپی ۳۸

زیبایی‌شناسی وجه شبه در تشبیهات خمسه نظامی

(ص ۲۲-۱)

زیبا اسماعیلی (نویسنده مسئول)^۱، دکتر ناصر کاظم خانلو^۲

تاریخ دریافت مقاله: زمستان ۱۳۹۵

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: بهار ۱۳۹۶

چکیده

تشبیه رایج‌ترین صورخیال شاعرانه و اساسی‌ترین رکن دستگاه بلاغی اشعار هر شاعر است، زیرا ارکان بعدی صورخیال مانند استعاره و کنایه از تشبیه ناشی میشوند. از میان چهار رکن تشبیه، وجه شبه از اهمیت بیشتری برخوردار است تا جاییکه علمای بلاغت آنرا مهم‌ترین رکن تشبیه میدانند.

از میان تقسیمات متعددی که علمای بلاغت برای تشبیه قائل شده‌اند، دو نوع تشبیه مجمل و مفصل (یعنی اقسام تشبیه به اعتبار حذف و ذکر وجه شبه) و تشبیه بلیغ (تشبیه به اعتبار حذف وجه شبه و ادات) و چگونگی آن موضوع اصلی این پژوهش است، زیرا حذف یا ذکر وجه شبه به علل مختلفی صورت می‌گیرد؛ در این مقاله کوشیده ایم ذکر، حذف، تازگی و تنوع وجه شبه و علل آن را در اشعار نظامی گنجوی بررسی کنیم.

کلمات کلیدی: وجه شبه، تشبیه مفصل، تشبیه مجمل، نظامی، پنج گنج

۱- مقدمه:

نظامی شاعری است که با قدرت خیال تصاویر شاعرانه بدیع و تازه آفریده است. سهم عمده‌ای از تصاویر شاعرانه اشعار او ناشی از تشبیه و قدرت فوق‌العاده وی در بکارگیری وجه شبه است. در این مقاله به بررسی وجه شبه از منظر حذف، ذکر، تازگی، تنوع و علل آن در پنج گنج نظامی گنجوی پرداخته ایم.

۱-۱- اهمیت و ضرورت انجام تحقیق:

آثار نظامی بارها به شیوه‌هایی چون نقد کلاسیک بررسی شده که بنا به مقتضای این نقد، با دخل و تصرفاتی همراه بوده است. با آنکه سخن شناسان زبان فارسی، نظامی را یکی از استادان مسلم سخن و شعر پارسی دانسته‌اند و جایگاه او را در بلندترین جایگاه شعر فارسی دیده‌اند، اما از میان نوشته‌هایی که در پیوند با نظامی پدید آمده است، کمتر پژوهشی به بررسی زیبایی‌شناسی تشبیه در اشعار وی پرداخته است. شناسایی عوامل زیبایی تشبیه در اشعار نظامی به شیوه‌ی نقد بلاغی کاری ضروری است، زیرا از این طریق میتوان به کشف شگردهای پنهان و راز و رمزهای افسونگرانه سخن او دست یافت.

۱-۲- پیشینه پژوهش: در زمینه بررسی وجه شبه در خمسه نظامی تاکنون مقاله‌ای چاپ نشده است، تنها یک مقاله زیر به بررسی تطبیقی ساختار تشبیه در خسرو و شیرین و ویس و رامین - از منظر انواع تشبیه از وجوه مختلف - پرداخته است: -ساختار تشبیه در خسرو و شیرین و ویس و رامین، روح الله هادی، زینب نصیری؛ مجله ادب فارسی، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، دوره ۳، شماره ۱۲

۱-۳- روش تحقیق: روش این تحقیق، نظری و براساس پژوهش کتابخانه‌ای است. محدوده تحقیق (جامعه آماری): خمسه نظامی گنجوی، تصحیح حسن وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، چاپ ششم، تهران، نشر قطره

بحث و بررسی:

۲- تشبیه مهمترین و رایجترین نوع صورخیال:

تشبیه رایجترین صورخیال شاعرانه و اساسی‌ترین رکن دستگاه بلاغی اشعار هر شاعر است؛ زیرا هر جا شعری پدید آید باید منتظر حضور توصیف باشیم و هر جا سخن از توصیف در میان باشد؛ بی شک تشبیه یکی از عناصر سازنده آن است. بعلاوه تصاویر دیگر مانند استعاره و تشخیص و کنایه از تشبیه ناشی میشوند. «در هر دستگاه زبانی هر شاعر و نویسنده‌ای،

خصوصیات آوایی، نحوی، واژگانی، معنایی و ادبی - بلاغی شاخصی وجود دارد. دستگاه بلاغی براساس عناصر بیانی و بدیعی و سایر عناصر زیبایی‌شناسی زبان شکل میگیرد. « (سفر در مه، پورنامداریان: ص ۳۲) در این میان، تشبیه مهمترین عنصر سازنده این دستگاه و نشان دهنده زاویه دید شاعر است که چگونه توانسته میان اشیاء و عناصر متنوع پیوند ایجاد کند. نظامی به عنوان بزرگترین داستان سرای ادب پارسی، خالق تشبیهات زیبا نیز هست که این هنر در توصیفات بدیعی در خمسه، جلوه خاصی دارد.

۳- ارکان تشبیه و اهمیت وجه شبه به عنوان مهمترین رکن آن :

اجزاء چهارگانه تشبیه که عبارتند از مشبه، مشبه‌به، ادات تشبیه و وجه شبه، در تعبیر علمای بلاغت ارکان تشبیه خوانده میشوند. این تعبیر ایشان نوعی توسع در مفهوم « رکن » است و از این چهار آن دو رکنی که در حقیقت بنیاد تشبیه بر آنها استوار است، همان دو رکن مشبه و مشبه‌به است که در اصطلاح آنها را طرفین تشبیه میخوانند. (صور خیال در شعر فارسی، شفیع کدکنی: صص ۵۵-۵۶)

از میان ارکان تشبیه وجود مشبه و مشبه‌به در هر تشبیهی الزامی است و وجود ادات تشبیه و وجه شبه اختیاری. با وجود اختیاری بودن ذکر وجه شبه - به عنوان یکی از دو رکن فرعی تشبیه - علمای بلاغت آنرا مهمترین رکن تشبیه میدانند. « بحث وجه شبه مهمترین بحث تشبیه است، چون وجه شبه مبین جهانبینی و وسعت تخیل شاعر است و در نقد شعر بر مبنای وجه شبه است که متوجه نوآوری و یا تقلید می‌شویم. » (بیان، شمیسا: ص ۹۸)

در واقع میتوان گفت اهمیت و ارزش هنری هر تشبیه به چگونگی و کیفیت وجه شبه وابسته است، هرچه شاعر در پیدا کردن روابط مشبه و مشبه‌به خلاقیت و تازگی بکاربندد، وجه شبه برجسته تر و در نتیجه ادبی بودن کلام بارزتر خواهد شد. از سوی دیگر وجه شبه و ذکر یا حذف آن؛ عامل اصلی درگیر کردن و مشارکت دادن ذهن خواننده در کلام هنری است.

۴- حذف وجه شبه (تشبیه مجمل) و علل آن در خمسه نظامی :

علمای بلاغت در بحثهای خود برای تشبیه تقسیماتی قائل شده‌اند؛ از آن جمله تقسیم تشبیه به اعتبار طرفین آن (مشبه و مشبه‌به) و حسی یا عقلی بودن هر یک یا مفرد، مقید و مرکب بودن آنهاست. یا تقسیم‌بندی تشبیه از لحاظ شکل که تشبیه تسویه، جمع و... را شامل میشود و یا تقسیم تشبیه به مشروط، مضمّر و تفضیلی است. همچنین دقت و توجه به چگونگی کاربرد وجه شبه و ادات تشبیه تقسیمات دیگری به انواع تشبیه می‌افزایند، مانند: « تشبیهی که وجه شبه در آن ذکر نشده باشد تشبیه مجمل ... گویند. (بیان، شمیسا: ص ۶۸) اما نکته اساسی در مورد انواع تشبیه و تقسیمات تشبیه، این است که کدام نوع زیباتر است. دکتر شفیع کدکنی در این زمینه میگوید: « آنچه بیشتر مورد اختلاف است این است

که کدام نوع بیشتر زیباست، آیا آن دسته تشبیهات که جهات مشترک آن از جهات اختلاف بیشتر است؛ یا آنها که جهات اختلافشان بیشتر است؟ بدوی طبانه معتقد است که هرچه جهات اختلاف بیشتر باشد تشبیه زیباتر است، زیرا این کار مینماید که هنرمند نسبت به ارتباطات موجود میان عناصر طبیعت و اشیاء حساستر است و حقایق نهفته را دقیقتر ادراک میکند.» (صورخیال در شعر فارسی، شفیع‌ی کدکنی: ص ۵۷) در کتاب جواهر البلاغه نیز سه مورد بعید بودن مشبه از مشبه به، تازگی تشبیه و میزان تخیل؛ عوامل زیبایی تشبیه به شمار آمده اند. (جواهرالبلاغه، هاشمی: ص ۲۹۹)

نظامی در موارد متعددی از ذکر وجه شبه خودداری کرده و بدین طریق بر تشبیهات خود رنگ هنری بخشیده است؛ البته این ویژگی به نسبت در آثار وی مختلف است، چنانکه در مخزن الاسرار با وجود کمی حجم در مقایسه با دیگر منظومه‌ها - اینگونه تشبیهات در عین حال که موکد نیز هستند- از بسامد بیشتری نسبت به دیگر منظومه‌ها برخوردارند؛ این امر میتواند رابطه مستقیمی با موضوع کار شاعر و زمینه سخن وی داشته باشد.

حذف وجه شبه ممکن است به دلایل مختلفی صورت گیرد، نخست اینکه « وقتی مشبه به دارای صفت یا ویژگی واضح و آشکاری باشد، شاعر خود را ملزم به آوردن آن وجه شبه نمی‌بیند. (صورخیال در خمسه نظامی، زنجانی: ص ۴۳)

درآمد باربد چون بلبل مست گرفته بربطی چون آب در دست
(خسرو و شیرین، ۱۹۰)

زلف سپهش به شکل جیمی قدش چو الف، دهن چو میمی
(لیلی و مجنون، ۱۸۲)

پند تو چراغ دلفروزی است نشنیدن من ز تنگ‌روزی است
(لیلی و مجنون، ۱۵۶)

پر و بالی چو شاخهای درخت پایها بر مثال پایه تخت
(هفت پیکر، ۱۵۷)

بینی‌ای چو تنور خشت پزان دهنی چون لوید رنگ‌رزان
(هفت پیکر، ۲۶۲)

گاه شاعر در تنگنای وزن و قافیه و دیگر تناسبات لفظی قرار می‌گیرد و ناچار به حذف وجه شبه میشود:

سکندر نشست از بر تخت روم زبانی چو آتش، دماغی چو موم
(اقبالنامه، ۸۶)

بگذر ازین مرغ طبیعت خراش بر سر این مرغ چو سیمرغ باش
(مخزن الاسرار، ۹۹)

۵- تشبیه بلیغ در خمسه نظامی:

«تشبیهی که در آن نه وجه شبه ذکر شود و نه ادات تشبیه، تشبیه بلیغ نام دارد.» (بیان، شمیسا: ص ۷۰) تشبیه بلیغ، همانگونه که از نامش پیداست، یعنی تشبیه عالی و رسا. حذف ادات و وجه شبه در تشبیه سبب نزدیک شدن آن به استعاره میگردد و در نتیجه زمینه برای رسیدن به هدف غایی تشبیه یعنی ادعای این‌همانی و یکسانی دوسوی تشبیه فراهم میشود.

دقت و تأمل در انواع تشبیه در خمسه نظامی آشکار میکند که تشبیهات بلیغ در مخزن الاسرار از چهار منظومه دیگر نظامی بیشتر است. این امر به چند دلیل اتفاق افتاده است؛ یکی اینکه مخزن الاسرار منظومه‌ای حکمی - اخلاقی است و داستانهایی موجود در این منظومه حکایاتی کوتاه هستند، بنابراین شاعر توانسته مضامین اخلاقی و عرفانی مورد نظر خود را به طریق ایجاز بیان کند که با این نوع ادبی سازگارتر است. به همین دلیل به تشبیهات بلیغ که صورت فشرده‌تری دارد روی آورده است. چهار منظومه دیگر نظامی، از این نظر؛ در نقطه مقابل این منظومه قرار گرفته‌اند؛ به این معنی که این چهار منظومه در شکل داستان هستند و شاعر باید از کلام موجز فاصله گرفته و به توصیف روی بیاورد، به همین دلیل نوع تشبیهات نیز باید متناسب با موضوع و موقعیت داستانهایی و حالات روحی قهرمانان و صحنه‌های رزم و بزم باشد. دومین دلیل این موضوع، به وزن منظومه مخزن الاسرار مربوط میشود. وزن این منظومه، وزنی است که کلام موجز را اقتضاء می‌کند؛ بنابراین تشبیهات ارائه شده در این وزن نیز باید بصورت موجز آورده شوند.

سومین دلیل، موضوع آغاز کار شاعری نظامی است، او در آغاز کار خود تلاش میکند در میان سایر سخنسرایان گنجه، قدرت شاعری خویش را نشان دهد و به نوعی توانایی سخنوری خود را در برابر رشک و حسادت شاعران هم‌عصر خویش نمایان کند. به همین دلیل به نوعی با تراحم صور خیال از جمله تشبیه در این منظومه مواجهیم. او برای بکار بردن تشبیهات فراوان در وزن محدودیت‌آور مخزن الاسرار ناچار است تشبیهات را کوتاه کند و از تشبیهات بلیغ بیشتر استفاده کند. از طرف دیگر او میداند تشبیهات بلیغ مؤثرترین و هنریترین نوع تشبیه هستند؛ بنابراین این نوع تشبیه را بیشتر استفاده میکند تا قدرت خود را در آفرینش تصاویر شاعرانه و صورخیال بدیع و نیکو به رخ هم‌عصران بکشد.

۵-۱- تشبیه بلیغ اضافی:

«تشبیهی است که در آن مشبّه و مشبّه‌به به هم اضافه شده باشند و در این صورت ادات تشبیه و وجه شبه محذوف است. به اصطلاح علم بیان، تشبیه هم مجمل است و هم مؤکّد. به اینگونه تشبیه در علم بیان، تشبیه بلیغ میگویند» (بیان، شمیسا، ص ۱۱۶)

مخزن الاسرار یک منظومه اخلاقی و تا حدی عرفانی است و در مقالات بیستگانه آن غالباً از زهد و بی‌اعتنایی به دنیا و دعوت بکارهای نیک و حفظ ارزشهای اخلاقی سخن میرود؛ معمولاً در چنین موضوعاتی، سخن گفتن به طریق ایجاز مناسبتر است؛ بعلاوه شاعر قصد داشته در هر بیت، نکته‌ای ارزنده را بعنوان دستورالعمل زندگی به خواننده عرضه کند بنابراین تشبیهات او به شکل بلیغ درآمده‌اند تا با موضوع سخن سازگاری بیشتری داشته باشند. در حالی که در منظومه‌های دیگر که داستانی هستند، شاعر با توصیف روبروست که باید اطناب را برگزیند؛ از این رو تشبیهات او نیز در این منظومه‌ها مناسب با شیوه سخن او شده‌اند؛ یعنی تشبیهات مفصل

عامل دیگر، وضع و حال شاعر در ابتدای کار شاعری اوست، در آغاز کار شاعری نظامی، شاعران بسیاری در گنجه میزیستند که از پیران آن دیار محسوب میشدند و شاعر جوانی مانند نظامی میبایست با این بزرگان رقابت میکرد؛ چنانکه از مخزن الاسرار مشهود است، این شاعران پیر به نظامی، شاعر جوان، و قدرت سخنوری او رشک میبردند؛ به همین دلیل نظامی سعی میکند در مخزن الاسرار خویش سخنی گوید که از نظر موضوع و زبان شعری و حتی وزن در شرایط کاملی باشد و بعلاوه از این دیدگاه‌ها غریب نماید، بنابراین در آفرینش تصاویر شاعرانه به دنبال تصاویر هنرمندانه است و بالطبع در خصوص موضوع تشبیه، تشبیهات فشرده و هنریتر - تشبیه بلیغ - را بکار میبرد.

آب سخن (مخزن الاسرار، ۳۸) گرد فنا (مخزن الاسرار، ۲۹) آئینه جهد (مخزن الاسرار، ۱۳۰) دیگ جسد، نمک جان (مخزن الاسرار، ۷) در سخن، صدف گوش (مخزن الاسرار، ۵) نزل بلا (مخزن الاسرار، ۱۵۱) زرده روز، شبدیز شب (مخزن الاسرار، ۲۵) خطه صاحب‌دلی (مخزن الاسرار، ۸۲) شحنة غم (مخزن الاسرار، ۱۰۱) سنان خشم، تیر طعنه (خسرو و شیرین، ۳۲۹) شکار آرزو (خسرو و شیرین، ۱۴۲) مرغ دانش را (خسرو و شیرین، ۴۲) شیشه خورشید (خسرو و شیرین، ۱۳۸) سریر سربلندی، چاه دردمندی (لیلی و مجنون، ۲۴۹) گل مهر (لیلی و مجنون، ۶۲) قرابه نام، شیشه ننگ (لیلی و مجنون، ۷۴) از غبار حسد (هفت پیکر، ۵۰) پیکان غم، درع صبر (هفت پیکر، ۵۲) داروی فراموشی (هفت پیکر، ۲۰۱) نگین دل (هفت پیکر، ۹۱) مرغ امید، میدان گفتگوی (هفت پیکر، ۱۶۴) خار وحشت (شرفنامه، ۱۶۶) خوان اخلاص (شرفنامه، ۲۴) پیک ادراک (شرفنامه، ۴) ترازوی تدبیر (شرفنامه، ۷۴) خاک بیگانگی (اقبالنامه، ۶)

۵-۲- تشبیه بلیغ غیر اضافی: (اسنادی) :

« تشبیه بلیغ... میتواند به صورت غیر اضافی نیز بکار رود و در این صورت اغراق در آن به اوج میرسد زیرا در کلام ادعای همسان بودن قویتر از ادعای شبیه بودن است. » (بیان، شمیسا: ص ۱۱۶)

گه شده او سبزه و من جوی آب	گه شده من گازر و او آفتاب (مخزن الاسرار، ۱۶۷)
پست شکر گشت غبار درت	پسته و عناب شده شکر (مخزن الاسرار، ۳۰)
در صف ناوردگه لشگرش	دست علم بود و زبان خنجرش (مخزن الاسرار، ۲۱)
در لغت عشق سخن جای ماست	ما سخنیم این طلل ایوان ماست (مخزن الاسرار، ۳۸)
لیلی سمن خزان ندیده	مجنون چمن خزان رسیده (لیلی و مجنون، ۶۹)
در خاک مپیچ کو غبار است	با طبع مساز کو شرار است (لیلی و مجنون، ۲۶۶)
جامش اقبال و معرفت ساقی	هیچ باقی نماند در باقی (هفت پیکر، ۱۴)
خرد رشته در یکتای توست	درمش گره بازکن رای توست (اقبالنامه، ۱۱۰)
چو مرگ آمد آن تیغ زنجیر شد	نه زنجیر دام گلو گیر شد (اقبال نامه، ۲۴۳)
شب از چتر موج او سایه‌ای	وزان نردبان آسمان پایه‌ای (شرفنامه، ۱۷)
آب گل خاک ره پرستانش	گل کمر بند زیر دستانش (هفت پیکر، ۲۱۶)
شرع نسیمی است به جانش سپار	طبع غباری به جهانش گذار (مخزن الاسرار، ۱۶۹)

۶- ذکر وجه شبه (تشبیه مفصل) و علل آن در خمسه نظامی:

به تشبیهی که وجه شبه در آن ذکر شده باشد تشبیه مفصل گویند. (بیان، شمیسا: ص ۶۸) همانگونه که ذکر شد تشبیهات در مخزن الاسرار بیشتر از نوع بلیغ و مجمل هستند ولی از آنجا که در منظومه‌های دیگر شاعر با موضوع داستان و در نتیجه توصیف و اطناب سروکار دارد؛ بیشتر از تشبیهات مفصل استفاده کرده است.

اولین دلیل برای ذکر وجه شبه ، تازگی و نُوی تشبیه است و شاعر به دلیل نو بودن مشبه‌به و دوری آن از مشبه ، مجبور به آوردن وجه شبه میشود. نظامی نیز با توجه به اینکه معانی و مضامین بدیع و نو را در تشبیهات خود آورده ، مجبور شده است برای اینکه یافتن وجه شبه برای خواننده دشوار به نظر نرسد وجه شبه را ذکر کند. « از آنجا که تشبیهات نو است، معمولاً مفصل است؛ یعنی شاعر یا نویسنده وجه شبه را - که غالباً تخیلی است - ذکر میکند تا نگرش او - که دو امر تازه را بهم مربوط ساخته است - فهمیده شود. (بیان، شمیسا: ص ۱۳۷) علت دیگر مربوط به سبک شعری هر شاعر است: « در هر سبک اصیل جدید، مشبه‌به‌ها در مقایسه با سبک‌های قبلی نو و تازه اند.» (بیان، شمیسا: ص ۱۴۴) نظامی نیز در سبکی زندگی میکند که در حال تغییر است و سبک عراقی در حال شکل گرفتن است، بنابراین ملزم به آوردن وجه شبه در اشعار خود میشود.

علت دیگری که باعث شده نظامی تشبیهات اشعارش را با ذکر وجه شبه بیان کند، این است که مشبه‌به صفات و خصوصیات دارد که همه به یک میزان مشهور نیستند؛ مثلاً گل ممکن است از نظر زیبایی، رنگ ، نرمی و.. مورد توجه شاعران قرار گیرد ، وقتی توجه شاعر به خصوصیت مشهور وجه شبه باشد (زیبایی) دیگر نیازی به ذکر وجه شبه احساس نمیشود ولی اگر منظور شاعر یکی از خصوصیات مشبه‌به باشد که چندان مشهور نیست یا خصوصیتی که خود شاعر آن را ابداع کرده است؛ در این صورت ناچار به ذکر وجه شبه میشود. نظامی به دلیل اینکه مشبه‌به‌های جدیدی وارد شعر میکند، ملزم به آوردن وجه شبه شده است؛ بنابراین در خمسۀ او درصد تشبیهاتی که در آن وجه شبه ذکر شده (تشبیه مفصل) نسبت به تشبیهاتی که در آن وجه شبه حذف شده است (تشبیه) بیشتر است.

مجلس خلوت نگر آراسته روشن و خوش چون مه ناکاسته
(مخزن الاسرار، ۱۶۷)

شاه در آن ناحیت صیدیاب دید دهی چون دل دشمن خراب
(مخزن الاسرار، ۸۰)

نمیخواهی که زیر آفتی چو سایه مشو بر نردبان جز پایه پایه
(خسرو و شیرین، ۲۸۷)

رهی باریک چون پرگار ابروش شبی تاریک چون ظلمات گیسوش
(خسرو و شیرین، ۳۵۱)

گشت آن تن نازک قصب پوش چون تار قصب ضعیف و بی‌توش
(لیلی و مجنون، ۲۴۹)

میوه‌ای دادمت ز باغ ضمیر چرب و شیرین چو انگبین در شیر
(هفت پیکر، ۳۶۳)

۷- وجه شبه‌های گوناگون از یک عنصر در خمسه نظامی :

تنوع وجه شبه‌های اشعار نظامی نکته دیگری است که در بررسی تشبیهات اشعار او نمود پیدا می‌کند. نظامی معمولاً یک چیز را بارها مشبه‌به قرار می‌دهد و هر بار از زاویه دیگر و جدیدتری به آن مینگرد و تصویری نو می‌آفریند که با تامل در این موارد میتوان به قدرت ذهن شاعر و وسعت خیال او پی برد.

با اینکه وجه شبه در بیشتر تشبیهات نظامی از نوع تحقیقی است، یعنی معنایی که به راستی در مشبه و مشبه‌به وجود دارد؛ اما وجود وجه شبه‌های تخیلی هم در آثار او بسیار چشمگیر و از بسامد بالایی برخوردار است. در چنین مواردی است که سخن نظامی اعجاب همراه با تحسین را در خواننده برمی‌انگیزد زیرا او با قوت خیال خود معنای تازه‌ای بین دو سوی تشبیه می‌یابد که از دید دیگر شاعران پنهان مانده است.

آنچه در تشبیهات اشعار نظامی بیش از هر چیز دیگر جلب توجه می‌کند، تکرار مشبه‌به است؛ اما این تکرار سبب تنوع تشبیهات او شده است؛ زیرا او تلاش می‌کند هر بار وجوه شباهت تازه‌ای میان مشبه و مشبه‌به بیابد و از زوایای مختلف به تشبیهات بنگرد. همین امر موجب تنوع بسیار تشبیهات او شده است، به عنوان مثال «گل» بارها به عنوان مشبه‌به در تشبیهات اشعار نظامی بکار رفته است، این کلمه اغلب در گذشته مشبه‌به رخسار معشوق واقع میشد و وجه شبه آن نیز سرخی و لطافت بود. اما همین کلمه در تشبیهات نظامی با وجوه شباهت : گشاده زبانی، رسوایی، لطافت، گریستن، کوتاه عمری، زود پری شدن، شاد بودن، خوشبویی، زرپرستی، خیره سری، جامه دریدن، گنج فشانی، سرافکندگی، بالیدن، رعنائی، نازکی، نرمی، سرخی، سپیدی، مهمان دوستی، برافروختگی و... بکار رفته است که کاربرد هریک از این وجوه شباهت برای مشبه‌به گل بسیار نو و بدیع است :

۷-۱- وجه شبه‌های گل:

زود پری شدن:

به حکم آنکه آن کم زندگانی چو گل بر باد شد روز جوانی
(خسرو و شیرین، ۴۳۰)

خیره سری:

چند چو گل خیره سری ساختن سر به کلاه و کمر افراختن
(مخزن الاسرار، ۱۳۱)

زر پرستی :

پای کرم بر سر زر نه، نه دست تات نخوانند چو گل زر پرست
(مخزن الاسرار، ۱۳۸)

رعنایی :

بت چون زرد گل به رعنایی کهربا بر نگین صفرایبی
(هفت پیکر، ۱۸۲)

شادابی و زیبایی :

رخی چون تازه گل‌های دلاویز گلاب از شرم آن گلها عرقریز
(خسرو و شیرین، ۳۹۱)

موارد دیگر: گشاده زبانی (خسرو و شیرین، ۳۰) صلازدن بر خار (شرفنامه، ۴۲) قبا بستن (خسرو و شیرین، ۶) خندیدن آشکار (لیلی و مجنون، ۱۷) تند رفتن (خسرو و شیرین، ۱۷۳) جامه دریدن (مخزن الاسرار، ۵۳) میل کشیدن در چشم (لیلی و مجنون، ۱۸۹) رسوایی (خسرو و شیرین، ۳۶۰) نرم خویی (لیلی و مجنون، ۵۳) بیرون آمدن از پرده (مخزن الاسرار، ۵۳) سبب آراستگی (مخزن الاسرار، ۶۵) بی‌سلاحی (هفت پیکر، ۵۰) گنج فشانی (مخزن الاسرار، ۱۴۹) کمر دو رویه بستن (لیلی و مجنون، ۱۳۷) اتکا به خود (هفت پیکر، ۸۳) شکفته شدن در صبحگاه (هفت پیکر، ۱۷۴) خوی خوش و بوی خوش (هفت پیکر، ۴۰) آماده خدمتگزاری (هفت پیکر، ۲۲۵) نازکی، نرمی، سرخی و سفیدی (هفت پیکر، ۱۶۷) برافروختگی (شرفنامه، ۳۰۲) سرافکندگی (هفت پیکر، ۱۶۱) مهمان دوستی و خندیدن (هفت پیکر، ۱۴۸) رعنایی (هفت پیکر، ۱۸۲) تنگ‌جامگی (اقبالنامه، ۴۲)

۷-۲-وجه شبه‌های شمع :

شمع نیز از اشیایی است که در تشبیهات نظامی با وجه شبه‌های گوناگون بکار گرفته شده و تصاویر شعری زیبا و رنگارنگی پدید آورده است:

خاموشی در روز و زنده بودن در شب:

بر صفت شمع سرافکننده باش روز فرومرده و شب زنده باش
(مخزن الاسرار، ۴۴)

تیغ زدن بر خود :

بدین افسوس می‌خوردم دریغی زدم بر خویشتن چون شمع تیغی
(خسرو و شیرین، ۴۵۰)

سوختن :

چو شمع از بهر آن سوزم بر آتش که باشد شمع وقت سوختن خوش
(خسرو و شیرین، ۲۹۳)

ضعف در برابر باد :

اگر شیرین نباشد دستگیرم چو شمع از سوزش بادی بمیرم
(خسرو و شیرین، ۱۳۷)

چابکی و خنده و گریه توامان:

چون شمع به چابکی نشست وان گریه به خنده درشکستی
(لیلی و مجنون، ۲۳۳)

موارد دیگر: رسن به گردن داشتن (هفت پیکر، ۱۵۵) راست بودن (هفت پیکر، ۱۹۶) دیده فراخی (هفت پیکر، ۳۴۳) شاد بودن (مخزن الاسرار، ۱۰۱) سادگی (مخزن الاسرار، ۱۶۲) روشننگری (خسرو و شیرین، ۴۳۸) خندیدن و گریستن (خسرو و شیرین، ۳۹) جان بر سر نهادن (خسرو و شیرین، ۳۷۱) رنجوری (لیلی و مجنون، ۱۰۵) استفاده از دسترنج خود (لیلی و مجنون، ۲۰۸) بر پا بودن (خسرو و شیرین، ۳۲۰) شب زنده‌داری و زاری (خسرو و شیرین، ۲۹۳)

۷-۳-وجه شبه‌های شیر:

شیر در اشعار نظامی از نظر سرعت، قدرت، تندی کردن و غرش نمودن در تشبیهات اشعار وی مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر این، به موارد دیگری نیز برمیخوریم مانند:

خندان بودن :

هنوزم بوی شیر آید ز دندان مشو در خون من چون شیر خندان
(خسرو و شیرین، ۴۶)

مغلوب کردن دشمن به تنهایی :

چون شیر به خود سپه شکن باش فرزند خصال خویشتن باش
(لیلی و مجنون، ۴۶)

ترسیدن از آتش :

کرد از آن شیر آتشین بیشه همچو شیران ز آتش اندیشه
(هفت پیکر، ۸۰)

فراخ دهنی:

با دری چون دهان شیر فراخ چون درآیم چو روبه از سوراخ
(هفت پیکر، ۲۹۷)

کم خوری :

چو شیران به اندک خوری خوی گیر که بددل بود گاو بسیار شیر
(اقبالنامه، ۱۶۰)

عجز و ناتوانی شیر پشمین :

فلک در طالع‌م شیری نمودست ولیکن شیر پشمینم چه سود است
(خسرو و شیرین، ۳۸)

موارد دیگر: اتکا به خود (اقبالنامه، ۱۶۴) تعصب کمر بستن (خسرو و شیرین، ۳۵)
ابخر بودن (مخزن الاسرار، ۱۴۹) دندان نمودن (خسرو و شیرین، ۳۴۳) آشوب به سر داشتن
(خسرو و شیرین، ۱۲۲) ترسیدن از آتش (هفت پیکر، ۸۰) پنجه بر زمین زدن (خسرو
و شیرین، ۲۳۳) کینه توزی (خسرو و شیرین، ۶۹) عجز و ناتوانی شیر پشمین (خسرو و
شیرین، ۳۸)

۷-۴-وجه شبه‌های غنچه:

کلمه غنچه « نیز بارها مشبه به تشبیهات اشعار نظامی واقع شده است و هر بار از جهتی
مورد توجه شاعر قرار گرفته است.

آرزوی شگفتگی :

سرخ گلی غنچه مثالم هنوز منتظر باد شمالم هنوز
(مخزن الاسرار، ۴۵)

گره بر دل داشتن :

ز گریه بلبله وز ناله بلبل گره بر دل زده چون غنچه گل
(خسرو و شیرین، ۲۲۲)

نگنجیدن در پوست :

نشسته هر یکی چون دوست با دوست نمی‌گنجید کس چو غنچه در پوست
(خسرو و شیرین، ۵۹)

نگنجیدن در پوست :

مجنون چو بخواند نامه دوست افتاد برون چو غنچه از پوست
(لیلی و مجنون، ۱۹۰)

سر به مهر بودن :

گنج گهرم که در به مهر است چون غنچه باغ سر به مهر است
(لیلی و مجنون، ۱۸۸)

مهربانی :

بود چون غنچه مهربان در پوست آشکارا ستیز و پنهان دوست
(هفت پیکر، ۱۸۷)

۷-۵- وجه شبه‌های ماه:

کلمه ماه نیز به تعداد بسیار به عنوان مشبهه مورد استفاده نظامی قرار گرفته است. او ماه را از جهت روشنی، سپیدی، دوری از خلل، حرکت از منزلی به منزل دیگر، جدایی از دیگر ستارگان، قناعت، برافروختگی، جوانمردی، دامن افشانی، هدایتگری، غریب بودن، آراستگی، تمام بودن در نیمه عمر و... در نظر گرفته است. همچنین کلمه « مهتاب » را در صفات: روشنی، ورود از روزن، افتادن در ویرانه مورد توجه قرار داده است. کلمه « هلال ماه » نیز از جهت باریکی و لاغری مورد توجه شاعر قرار گرفته است. اینک به ذکر نمونه‌هایی از این تشبیهات میپردازیم:

حرکت از منزلی به منزل دیگر:

همه آراسته با رود و جامند چو مه منزل به منزل میخرامند
(خسرو و شیرین، ۵۳)

برافروختگی :

چنان کاید به برج خویشتن ماه به قصر خویشتن آمد ز خرگاه
(خسرو و شیرین، ۳۸۳)

دامن افشانی:

پری پیکر برون آمد ز خرگاه چنان کز زیر ابر آید برون ماه
(خسرو و شیرین، ۳۷۹)

هدایتگری:

راهروان عربی را تو ماه یاوگیان عجمی را تو راه
(مخزن الاسرار، ۲۲)

حرکت نامحسوس:

آسوده کسی است کو درین دیر نابوده بود چو ماه در سیر
(لیلی و مجنون، ۱۶۰)

موارد دیگر: غریب بودن (لیلی و مجنون، ۲۵۸) جوانمردی (مخزن الاسرار، ۸۳) روشنی و زیبایی (مخزن الاسرار، ۱۶۷) شب خیزی (اقبالنامه، ۹۹) دوری از خلل (خسرو و شیرین، ۵۱) جدایی از دیگر ستارگان (خسرو و شیرین، ۷۵) روشنی در وسط تاریکی (هفت پیکر، ۹۷) قناعت (خسرو و شیرین، ۱۱۰) درخشندگی (شرفنامه، ۳۰۷) دوری از یار (لیلی و مجنون، ۱۸۹) تمام بودن در نیمه عمر (لیلی و مجنون، ۲۱۴) افتادن در ویرانه (شرفنامه، ۳۸۱)

۶-۷- وجه شبه‌های دریا :

کلمهٔ دریا از جهاتی متنوع مانند : موج بودن، بزرگی و پهناوری، دربخشی، تلخ رویی، رازهای پنهان، جوش و خروش، گوهر افشانی، گران سایه بودن، صفا و روشنی، پاکی، توانگری، کناره شویی و... مورد توجه شاعر بوده است :

تلخ رویی :

مخور تنها گرت خود آب جوی است که تنها خور چو دریا تلخ روی است
(خسرو و شیرین، ۲۷۵)

کینه داشتن:

کسی در دل چو دریا کینه دارد که دندان چون صدف در سینه دارد
(خسرو و شیرین، ۳۳۱)

کناره شویی :

چون بحر کنم کناره شویی اما نه ز روی تلخ رویی
(لیلی و مجنون، ۴۲)

گران سایه بودن :

چو دریا نکویم گران سایه‌ای همانا که چون کان گران مایه‌ای
(شرفنامه، ۶۲)

توانگری :

به گنجی چنان کان گوهر شدم وزان شب چو دریا توانگر شدم
(اقبالنامه، ۸۰)

۷-۷- وجه شبه‌های باد :

کلمهٔ باد نیز در اشعار نظامی از جهات : تهیدستی، ویرانگری، ناخوانده به هر جایی رفتن، بی‌قراری، حرکت تند، گریختن، در هر جای آرام گرفتن، دست افشانی، هواخواهی، هم‌نفسی با همه، جهانگردی و «باد سحرگاه» از نظر لطافت و خوشی برای تصویر سازی بکار گرفته شده است.

تهیدستی :

با همه چون خاک زمین پست باش وز همه چون باد تهیدست باش
(مخزن الاسرار، ۷۸)

ناخوانده به هر جایی رفتن :

کسادی چون کشم گوهر نژادم نخوانده چون روم آخر نه بادم
(خسرو و شیرین، ۲۰)

در هر جای آرام گرفتن :

به هر جایی چو باد آرام گیرد
چو لاله با همه کس جام گیرد
(خسرو و شیرین، ۲۷۹)

دست افشانی :

افشاند چو باد بر جهان دست
جانش ز شکنجه جهان رست
(لیلی و مجنون، ۲۳۵)

هواخواهی :

گل کمر بسته در شهنشاهی
خاک چون باد در هواخواهی
(هفت پیکر، ۳۱۸)

۷-۸- وجه شبه‌های آب :

این کلمه از جهات : روشنی و روانی، حیات بخشی، نرمی، حرکت تند، لطافت، بهره دادن، سرافکندگی و... در اشعار نظامی، وجه شبه تشبیهات قرار گرفته است:

نرمی :

به طوق غبغبش گویی که آبی
معلق گشته است بر آفتابی
(خسرو و شیرین، ۳۶۸)

روشنی و روانی :

فراوان در آن وادی الماس بود
که روشنتر از آب در طاس بود
(اقبالنامه، ۱۹۳)

شیوایی و فصاحت:

فصیحی کو سخن چون آب گفتی
سخن با او به اصطراب گفتی
(خسرو و شیرین، ۴۱)

حرکت تند :

خیالش را بفرمایم که در خواب
بدین خاکش دواند تیز چون آب
(خسرو و شیرین، ۲۰۴)

ضعیف شدن:

در آن صف کاتش از بیم آب گشتی
سخن گر زر بدی سیماب گشتی
(خسرو و شیرین، ۱۸۴)

سرافکندگی :

سرافکنده چون آب دریای خویش
ز سردی فسرده بر جای خویش
(اقبالنامه، ۱۸۴)

بهره دادن:

به هر کس بده بهره چون آب جوی که تا پیش میرت شود هر سبوی
(اقبالنامه، ۱۵۹)

۷-۹- وجه شبه‌های آتش:

آتش از جهت سرخی، تندی و سرکشی، گرمی، مخفی بودن در آهن، روشنی، پریشانی، سوزندگی، ویرانگری، شتابندگی و... بخشی از تصاویر شعری اشعار نظامی را تشکیل داده است:

سرخی:

گلی دیدم ز دورت سرخ و دلکش
چو نزدیک آمدی خود بودی آتش
(خسرو و شیرین، ۳۳۹)

مخفی بودن در آهن:

برونش آرم به نیروی و به نیرنگ
چو آتش ز آهن و چون گوهر از سنگ
(خسرو و شیرین، ۵۵)

گرمی:

سابق برده از آهوان در شتاب
به گرمی چو آتش به نرمی چو آب
(شرفنامه، ۴۱۱)

پاکی:

چو آتش گرچه آخر نور پاکم
به اول نوبت آخر دودناکم
(خسرو و شیرین، ۳۲۰)

تندی:

ز آتش فکرت چو پریشان شوند
با ملک از جمله خویشان شوند
(مخزن الاسرار، ۴۱)

سوزندگی:

عشق است خلاصه وجودم
عشق آتش گشت و من چو عودم
(لیلی و مجنون، ۲۲۴)

ویرانگری:

آب بریز آتش بیداد را
زیرتر از خاک نشان باد را
(مخزن الاسرار، ۹)

شتابندگی:

برون رفت از ایلاقیان سرکشی
سواری شتابنده چون آتشی
(شرفنامه، ۴۴۲)

۷-۱۰- وجه شبه‌های خورشید (آفتاب)

نظامی در تصاویر شعری خود، خورشید را از جهت درخشش، زردی، سوختن، عظمت، رونق داشتن، حرکت کردن، تنهایی، زرافشانی کردن، شهرت، کمر خدمت بستن، نگاه کردن به ماه، خندان بودن، تیغ زنی، مهرورزی، یکرنگی، جوانمردی، پاکی و زیبایی مورد توجه قرار داده است:

تنهایی :

به تنهایی قناعت کن چو خورشید که همسر شرک شد در راه جمشید
(خسرو و شیرین، ۲۷۰)

زرافشانی کردن :

نخستین خواند باید با صد امید زرافشانی بر او کردن چو خورشید
(خسرو و شیرین، ۲۲۸)

جوانمردی :

گرم شو از مهر و زکین سرد باش چون مه و خورشید جوانمرد باش
(مخزن الاسرار، ۸۳)

منتظر بودن :

گر بر این ره پری چو باز سپید دیده بر راه دار چون خورشید
(هفت پیکر، ۵۲)

پاکی :

چشمه‌ای پاک یافت چون خورشید چون سمن صافی و چو سیم سپید
(هفت پیکر، ۳۱۵)

موارد دیگر: زیبایی (خسرو و شیرین، ۵۱) زردی (خسرو و شیرین، ۴۲۲) زرافشانی کردن (خسرو و شیرین، ۲۲۸) سوختن (خسرو و شیرین، ۳۴۵) نگاه کردن به ماه (خسرو و شیرین، ۹۰) شهرت (خسرو و شیرین، ۷) خندان بودن (خسرو و شیرین، ۱۶۸) مهرورزی (لیلی و مجنون، ۳۳)

۷-۱۱- وجه شبه‌های کوه :

کوه از نظر عظمت، استواری، پابرجایی، سنگ بر سر داشتن و گرانباری در تصاویر اشعار نظامی جلوه‌گری کرده است:

عظمت :

بدین ساز و لشگر که بینی چو کوه ز جوشنده دریا نیابم شکوه
(شرفنامه، ۳۹۹)

استواری :

جداگانه از موکب هر گروه
حصاری برآورده مانند کوه
(شرفنامه، ۴۳۷)

گرانباری :

مرا کایم از کاهبرگی ستوه
چه باید گرانبار گشتن چو کوه
(اقبالنامه، ۱۰۳)

سنگ بر سر داشتن :

بود عاشق چو دریا سنگ در بر
منم چون کوه دائم سنگ بر سر
(خسرو و شیرین، ۳۴۰)

پابرجایی :

رهايي خواهی از سیلاب اندوه
قدم بر جای باید بود چون کوه
(خسرو و شیرین، ۳۴۹)

۷-۱۲- وجه شبه‌های چراغ:

این کلمه از نظر روشنگری، سوختن، خندیدن، زیبایی، روشنی، سایه شکنی و نواختن مورد تشبیه قرار گرفته است.

زنده بودن:

شب وصلت لبی پر خنده دارم
چراغ آفتابی زنده دارم
(خسرو و شیرین، ۱۴۹)

خودسوزی:

به حشوی چندم آتش برمیفروز
که من خود چون چراغم خویشتن سوز
(خسرو و شیرین، ۳۸)

زیبایی :

زلفش چو شبی رخس چراغی
یا مشعله ای به چنگ زاغی
(لیلی و مجنون، ۱۵۶)

نواختن :

هرکه را چون چراغ بنوازد
باز چون شمع سربیندازد
(هفت پیکر، ۱۹۱)

برافروختگی :

بساطی کشیده در آن سبز باغ
ز گوهر برافروخته چون چراغ
(اقبالنامه، ۱۸۲)

موارد دیگر: سایه شکنی (مخزن الاسرار ، ۱۴۵) روشنگری (لیلی و مجنون، ۱۵۶)

خندیدن (خسرو و شیرین، ۱۸۰) روشنی (شرفنامه، ۷۸)

۷-۱۳- وجه شبه‌های گنج:

کلمه گنج در تشبیهات نظامی از جهات مختلف مانند: همراه بودن با مار، جای داشتن در ویرانه، پنهان بودن در خاک، ارزشمندی، پاکی، در حصار نشستن و برافروختگی راه یافته است:

همراه بودن با مار :

نه گنجی ای دل از ماران چه نالی که از ماران نباشد گنج خالی
(خسرو و شیرین، ۴۴۸)

جای داشتن در ویرانه :

همانا کان پری روی فسون سنج در آن ویرانه زان پیچید چون گنج
(خسرو و شیرین، ۳۴۷)

پنهان بودن در خاک :

برآمد نوبتی را سر برافلاک نهان شد چشم بد چون گنج در خاک
(خسرو و شیرین، ۳۵۵)

ارزشمندی :

تو گنجی سر به مهری نابسوده بد و نیک جهان ناآزموده
(خسرو و شیرین، ۱۱۹)

در حصار نشستن :

چون بدان محکمی حصاری بست رفت و چون گنج در حصار نشست
(هفت پیکر، ۲۱۸)

برافروختگی :

چون قدرمایه شد به سختی و رنج یافت گنجی و برافروخت چو گنج
(هفت پیکر، ۷۶)

۷-۱۴- وجه شبه‌های مار:

کلمه مار در تصاویر شعری نظامی از نظر : پیچیدن به خود، ترسیدن از سنگ، نشستن بر سر گنج، سرکشی کردن، جستن، خاک خوردن، ناسازگاری و بلندی مورد توجه شاعر بوده است:

پیچیدن به خود :

نبودی یک زمان بی یاد دلداری وزان اندیشه میپیچید چون مار
(خسرو و شیرین، ۱۸۳)

ترسیدن از سنگ:

ز غم ترسان به هشیاری و مستی
چو مار از سنگ و گرگ از چوبدستی
(خسرو و شیرین، ۲۲۴)

نشستن بر سر گنج:

چو ماری بر سر گنجی نشسته
ز شب تا شب به گردی روز بسته
(خسرو و شیرین، ۱۴)

برجستن:

از جای چو مار حلقه برجست
در حلقه زلف کعبه زد دست
(لیلی و مجنون، ۸۰)

خاک خوردن:

خوش خور که گل جهان فروزی
چون مار مباح خاک روزی
(لیلی و مجنون، ۱۶۱)

ناسازگاری:

نسازیم چون مار با هیچ کس
خورشهای ما سوسمار است و بس
(اقبالنامه، ۱۸۷)

۷-۱۵ - وجه شبه‌های مرغ:

« مرغ » در تشبیهات شاعر غالباً از منظر پرواز کردن مشبه‌به واقع میشود، ولی در موارد دیگر از نظر: آواز خواندن، پنهان شدن از انبوه، سبکی و چابکی، دانه برچیدن، برشاخ نشستن مشبه‌به قرار گرفته است. در مواردی مرغ را بصورت مقید آورده و از آن معانی خاصی اراده کرده است؛ مانند: «مرغ نیم کشت» از جهت افتان و خیزان بودن - «مرغ تاب دیده» از جهت پریشانی - «مرغ صبحگاهی» از جهت ناله - مرغ در دام» از جهت سرگستگی -

پرواز کردن:

فرستم قاصدی تا بازش آرد
بسان مرغ در پروازش آرد
(خسرو و شیرین، ۱۰۴)

چابکی:

بدان نازک تنی و آبداری
چو مرغی بود در چابک سواری
(خسرو و شیرین، ۲۴۹)

پنهان شدن:

از آن پنهان شدن چون مرغ زانبوه
وزان پیدا شدن چون چشمه در کوه
(خسرو و شیرین، ۱۰۰)

افتان و خیزان بودن :

چو مرغی نیم کشت افتان و خیزان ز نرگس بر سمن سیماب ریزان
(خسرو و شیرین، ۳۵۰)

پریشانی :

پریشان شد چو مرغ تاب دیده که بود آن سهم را در خواب دیده
(خسرو و شیرین، ۴۱۹)

سرگشتگی :

مادر ز پی عروس ناکام سرگشته شده چو مرغ در دام
(لیلی و مجنون، ۱۰۰)

نالیدن :

نالید چو مرغ صبحگاهی روزش چو شبی شد از سیاهی
(لیلی و مجنون، ۸۵)

۷-۱۶- موارد دیگر

وجه شبه‌های باغ : رنگارنگی، خرمی و خوشی، سرسبزی و زیبایی

وجه شبه‌های سایه : تسلیم محض بودن، زیر افتادن، سیاهی، بی ارزش ماندن، سر بر خاک نهادن، دنباله روی کردن

وجه شبه‌های سرو: بلندی، ایستادگی، آزادگی، ارزشمندی، وقار

وجه شبه‌های زلف: شوریدگی، آشفتگی، سیاهی، شکستگی

وجه شبه‌های هندو: نماز بردن به پری، فرمان ناپذیری، غارتگری، سیاهی

وجه شبه‌های پیل: سرمستی، بزرگی، سر بر بالین نیاوردن، راز خود را با دیگران نگفتن

وجه شبه‌های آب زندگانی: نهان بودن از چشم، مهر بر سر داشتن، شیرینی، حیات

بخشی، روشنی، زلالی

وجه شبه‌های پری: نهفته بودن، زیبایی، تیز روی، دیوانه کردن

وجه شبه‌های گوهر : سخت به دست آمدن، پاکی، پای بندی در سنگ، بیرون آمدن از

سنگ، گوش داشتن بر دریا

وجه شبه‌های برق : خوش خندیدن، زادن و مردن یکباره، مرگ تند، آشکار شدن از پشت

ابر، چراغ از جان خود داشتن

وجه شبه‌های صبح: رهایی، روشنی و فروغ، دو دستی تیغ زدن، بیدار بودن، خوشی و

لطفات

نتیجه گیری:

تشبیه مهمترین عنصر سازنده دستگاه بلاغی هر شاعر و نشان دهنده زاویه دید اوست، از میان ارکان تشبیه، بحث وجه شبه مهمترین بحث تشبیه است، چون وجه شبه مبین جهان‌بینی و وسعت تخیل شاعر است. دو علت آشکاری وجه شبه و رعایت وزن و قافیه و تناسبات لفظی باعث حذف وجه شبه و به وجود آمدن تشبیه مجمل در خمسه نظامی شده است. البته بسامد کاربرد تشبیه مجمل در مخزن الاسرار (به علت موضوع خاص این منظومه) در مقایسه با دیگر منظومه ها بیشتر است. تشبیهات بلیغ هم در مخزن الاسرار از چهار منظومه دیگر نظامی بیشتر است. این امر به دلیل موضوع و وزن مخزن الاسرار صورت گرفته است که ایجاز و حذف را اقتضا میکند. تازگی و نوبی تشبیه، سبک جدید شاعر، وجود خصوصیتی ابداعی از سوی شاعر در مشبهه، از عللی هستند که نظامی مجبور به استفاده از تشبیه مفصل در خمسه خود شده است که البته در خمسه او بسامد این نوع تشبیه (تشبیه مفصل) نسبت به تشبیهاتی که در آن وجه شبه حذف شده است (تشبیه مجمل) بیشتر است. نگاه شاعر به مشبهه واحد از زوایای گوناگون و ایجاد وجه شبه‌های متعدد، یکی دیگر از نشانه‌های مهارت این استاد داستان‌پردازی ادبیات ایران زمین است.

منابع و مأخذ:

- بیان، شمیسا، سیروس (۱۳۹۰) انتشارات میترا، ویراست چهارم
- جواهرالبلاغه فی المعانی و البیان و البدیع، هاشمی، سید احمد. (۱۳۷۹). چاپ دوم، تهران، انتشارات الهام.
- حدائق السحر، وطواط، رشیدالدین (۱۳۶۲) به تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران، انتشارات طهوری.
- خمسه نظامی گنجوی؛ جمال‌الدین ابومحمد الیاس بن یوسف بن زکی (۱۳۸۴) تصحیح حسن وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، چاپ ششم، تهران، نشر قطره
- سفر در مه، پور نامداریان، تقی (۱۳۸۱)، تهران، انتشارات نگاه.
- صور خیال در خمسه نظامی، زنجانی، برات (۱۳۷۷)، تهران، انتشارات امیرکبیر
- صور خیال در شعر فارسی، شفیع‌ی کدکنی، محمد رضا. (۱۳۸۵). تهران آگاه.
- فرهنگ اصطلاحات ادبی، داد، سیما (۱۳۸۸) چاپ اول، تهران، انتشارات مروارید.
- المطول، تفتازانی (۱۴۰۹ق)، بهامشه حاشیه السید میرشریف، قم: مکتبه الداوری.
- المعجم فی معاییر الشعار العجم، رازی، شمس قیس (۱۳۶۰) به کوشش سیروس شمیسا، چاپ اول، تهران، انتشارات فردوسی.